

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

صبا راهی
۲۳ دسمبر ۲۰۲۲

زن زندگی آزادی!؟

آیا این همه ماجراست؟ موقعیت اجتماعی زن چه می شود؟ برابری حقوقی زن در تمام مناسبات تولید چه می شود؟ استقلال زن چه می شود؟ حق اختیار تن زن در اختیار خود زن چه می شود؟ حق سقط جنین زن چه می شود؟ آیا کلیه این حقوق در سایه جامعه طبقاتی قابل تحقق است؟ آیا باید تشکل مستقل زنان را دایر کرد تا مطالبات زنان را مطالبه کرد؟

داستان کوتاه یک زندگی

معصومه م یکی از زنانی بود که مسیر پر تلاطم زندگی به او آموخته بود که برای استقلال خود باید با چنگ و دندان بجنگد! او در دوره ستم شاهی زندگی می کرد. دوره ای که تسلط مرد توسط سنت های پوسیده دینی بر زندگی زن چه دختر چه خواهر چه همسر فرقی با دوره سیاه امروز نداشت. آلمان دین در پستوی خانه ها بود و زندگی زنان را کنترل می کرد امروز دین در وسط خیابان شمشیر بر روی حقوق زنان می کشد. او مثل برخی از زن های دیگر حاضر نبود استعداد خود را از صبح تا شب صرف کارهای خرافت خانگی کند. از طرفی او همسرش (نان آور خانواده) را از دست داده بود و می بایست شکم خود و یک نوزاد را سیر کند و نمی خواست سربار خانواده خود باشد در واقع هدفش کمک به اقتصاد خانواده مادری خودش را نیز در بر می گرفت. مرگ همسر شاید در اصل تلنگر کاری بود که او را وادار ساخت تا روی پای خود بایستد و با جدیت و کوشش فراوان و مصمم به یکی از بهترین شاگردهای دکتر جهان شاه صالح برای تربیت مامائی شود. او که در تهران زندگی می کرد با ازدواج دوم مجبور شد به یکی از بخش های لرستان مهاجرت کند و زندگی و کار خود را در آنجا ادامه دهد. محیط بشدت مردسالارانه، آزارهای جنسیتی را نتنها برای او بلکه برای همسرش را نیز همراه داشت. اما او و همسرش محکم ایستاده بودند و پس از مدتی او الگوی واقعی برای زنان محیط کوچک خود شد. او تنها به شغل مامائی اکتفاء نمی کرد در هر موقعیتی زنان را نسبت به حقوق شان آگاه می کرد و با همسران آنان نیز به صحبت می نشست و در حرفه خود از هیچ کمکی به زنان دریغ نداشت. نکته مهم در استقلال اقتصادی این زن آگاهی و درک عمیق همسرش از ستمی بود که بر زن در جامعه می رفت و آنان را به مطیع هدایت می کرد. همسرش که در محیط صنعتی کار می کرد در آموزش های معاشرتی در محیط کار

آموخته بود که زن او از نظر حقوقی کاملاً با او برابر است و به دلیل این درک عمیق بود که او مثل یک کوه پشت همسرش ایستاده بود. آیا اگر همسر معصومه به درک عمیق از برابری حقوقی زن نرسیده بود معصومه می توانست به حرفه خود ادامه دهد و چراغ راه زنان بسیاری در پیرامون خود باشد؟

او شانه به شانه همسرش کار می کرد، در اقتصاد خانه پا به پای همسرش یار بود. نه کسی برای او تعیین تکلیف می کرد چه بپوشد چه بخورد کجا برود آنچه بود درک عمیق همسرش به برابری حقوقی زن بود! نه زن سالاری در خانه آنها حاکم بود و نه مرد سالاری!

با روی کار آوردن خمینی توسط اربابان شاه، دین زنگ زده این بازوی سرمایه داری ضد زن از پستوی خانه ها به کف خیابانها منتقل شد از همان روزهای اول با پا چماق روسری و چادر که اگر مبارزات بی امان زنان و مردان در کف خیابانها نبود امروز زنان در ایران همه می بایست طبق فرمان خمینی جلاد چادر پوش بودند!

قوانین دینی در دوره ستم شاهی نیز بر زندگی زنان چمبره انداخته بود. شاه پنج آخوند درباری داشت که " مشاوران دینی" او بودند تا قوانین مدنی را تأیید کنند! شاه مرتجع مدام به حرم رضا می رفت و خود نیز یکی از مروجین دین ضد زن بود. در آنزمان نیز مرد "حق" داشت که چهار همسر اختیار کند و ...

واقعیت این است تا زمانی که سرمایه داری و یکی از ابزار کپک زده آن "دین و نه تنها دین اسلام* تمام ادیان" توسط نوکران شاه و ملا و امثال آن جامعه را مدام به عقب می راند زنان به طور واقع به حقوق برابر خود دست نمی یابند.

اما این بدان معنا نیست که به قول " صدای ماهی سیاه" ماتم بگیریم و سازماندهی نکنیم!

آنچه که امروز در ایران شاهد هستیم آگاهی زنان نسبت به موقعیت حقوقی خود می باشد و هیچ چیز مگر جو خفقان، بگیر و ببند و ستم عینی مضاعف الهی بر زنان توسط اجرای احکام دینی نبود که زنان را چنین شجاعانه به کف خیابانها کشاند.

امار و ارقام می گوید که ۶۰٪ دانشجویان در ایران زن می باشند. این شصت درصد که برای مدرک گرفتن و قاب کردن آن به دانشگاه نرفتند! آنان نان می خواهند! کار می خواهند! مسکن می خواهند! آزادی را می خواهند که این امکانات را برای آنان متحقق کند! همین سه روز پیش رزندیت های دانشگاه در اعتراض به وضعیت معیشتی خود دست به اعتراض زده بودند: **خط فقر ۱۸ میلیون/ حقوق ما شش میلیون**

به همین دلیل شعار زن زندگی آزادی شعاری ست که بی حقوقی مطلق زن را فریاد می زند و نه برابری حقوقی برابر او را و نه آزادی کامل در اختیار گرفتن تن خود و سرنوشت خود!

براستی که دانشجویان بیدار زن و مرد در سراسر ایران بدرستی فریاد می زنن: نه نون داریم نه خونه حجاب شده بهونه!

این که برخی ایران ایران می کنند و " وطن را آزاد کنند و آباد" نیز شعاربست عوام فریبانه چرا که آبادی وطن شان برای پر کردن جیب های خودشان و اربابان جهانی شان است و نه دلسوزی مردم ایران که زنان نیمی از آن مردم هستند. چرا که هیچ یک از کسانی که این شعار را می دهند اساساً باوری به برابری حقوقی زن و مرد ندارند. به همین دلیل آنان به دنبال شعار کاملاً تهی از هر حق زن، یعنی شعار زن زندگی آزادی، شعار مرد میهن آبادی را هم اضافه می کنند. تعریف بهترین حالت این شعار می شود "زن روسری نداشته باش اما یادت باشد جاییت در مطبخ است و زائیدن و رفت و روب خانه، این مرد است که میهن را آباد می کنند!"

آیا تشکل مستقل زنان می تواند راه گشا باشد؟

زنان و مردان در کنار یکدیگر می توانند به آگاهی دست یابند. نمی شود زن را به مدرسه فرستاد و به مرد گفت وقتی که ما باسواد و متشکل شدیم تو در هر اندیشه ای که هستی دست و پا بزن! اتفاقاً این مردان هستند که در به ثمر رساندن برابری حقوقی زنان در تمامی احاد و اشکال جامعه می توانند دوش به دوش زنان نقش مؤثر را بازی کنند. نمونه بارز آن یکی داستان واقعی در سطور بالا ست. حتماً شما هم نمونه داستان بالا را داشته اید.

همانطور که امروز در دانشگاه ها شاهد آن هستیم. اگر مردان در خیابانها به صحنه نمی آمدند و از سوزاندن حجاب زنان حمایت نمی کردند و دست در دست آنان حلقه ایمنی ایجاد نمی کردند آیا زنان به تنهایی می توانستند در خیابانها بمانند؟ آیا این مردان آگاه و روشن فکر نبودند که از ستمی که بر زنان می رفت نیز به تنگ آمده بودند؟ ستمی که به خواهرشان مادرشان و یا دخترشان وارد می شد.

دانشجوی مردی که سر کلاس خطاب به "استاد"ی که می گوید: " خداوند زن را برای سرویس دهی به مرد آفرید آنهم فقط سرویس دهی جنسی " ، می گوید: استاد یعنی خواهر و مادر ما این نقش را دارند، اگر خدا چنین گفته باشد من آن خدا را هم قبول ندارم! نمونه ای از هزاران هزار مرد در ایران دین زده می باشد که احکام الهی را بری پیشبرد سود سرمایه بر زنان و مردان جامعه حکمفرما می کنند.

ستم همه جانبه "خدای دورغین" بر زن

در اصل زمانی که "خدا" توسط عده ای ستمگر و غارتگر دسترنج کارگران و زحمتکشان که می خواستند مالک تمام منابع تولید باشند، آفریده شد تا ستمدیدگان را از "عقوبت الهی" ش بترسانند و آنان را برده هایی فرمانبردار بار بیاورند تا خود در بهشت روی زمین زندگی کنند و " بهشت تخیلی " که " خدای تخیلی " در قرآن و تورات و انجیل های متفاوت به آنان وعده داده است، و آن زمان بود که این خدای دورغین در تمام دین ها زن را " کنیزی فرمانبردار " آفرید که تنها "تنها وظیفه اش سرویس جنسی به مرد" بود که حتی خوردن گوشتش در هنگام قحطی " حلال"!

امروز که سرمایه داری جهانی پس از پانصدسال که از راندن لجنزار مسیحیت ضد زن به کلیساها می گذرد اهرم لجنزار اسلام ضد زن را در ایران به کار گرفته است تا با آن بتوانند سلطه غارتگری و جنایت خود را هر چه بیشتر گسترش دهد.

اگر چه ۴۳ سال رژیم هار اسلامی گرفت و کُشت و سر به نیست کرد اما هر چه بیشتر از قیام آبان- عقرب- می گذرد لایه های ارتقاء آگاهی نسل جوان و سازش ناپذیری آنان با حاکمان ظالم و احکام ضد انسانی شان بیشتر نمایان می شود.

برخی از مطالبات زنان

اختیار تن زن به اختیار خود زن!

قانونی شدن حق سقط جنین در هر مرحله از بارداری!

برابری حقوقی و موقعیت اجتماعی در تمام ارکان جامعه و در مناسبات تولید

حق تعیین سرنوشت، نظیر ازدواج سکونت طلاق بر عهده زن!

رایگان بودن وسایل جلوگیری از بارداری

رایگان شدن عمل سقط جنین؛ زیر نظر متخصصان و در کلینک های تخصصی، در هر مرحله از بارداری بدون هر

گونه اما و اگر و شاید رهبران سیاسی - دینی!

ایجاد مهدکودک های رایگان در سراسر ایران در محل های کار برای زنان شاغل

ایجاد شغل مناسب برای رها شدن زنان تن فروش از خشن ترین ظلم و ستم طبقاتی

و...

آیا شعار " زن زندگی آزادی" با یدک آن "مرد میهن آبادی" همین چند قلم مطالبه حقوقی زنان را در بر می گیرد؟ دولت آینده چه تضمینی برای اجرای اینگونه مطالبات می تواند داشته باشد؟

آیا تشکل های مستقل زنان می توانند در پیشبرد این مطالبات بدون حضور مردان به پیروزی دست یابند؟

صبا راهی

بیست و دوم دسمبر دوهزار و بیست و دو

*شاخه ای از مسحیت به نام اونجلیکن در امریکا زنانی که جنین خود را سقط کرده بودند را با حمله شبانه به خانه شان، خانه را به آتش کشیده و آنان را زنده زنده در آتش می سوزاندند. شیطان پرست ها را زنده زنده در آتش می کشتند. ترمپ که " اونجلیکن" ها او را " نماینده خدا" می نامند در انتخابات ریاست جمهوری امریکا نقش عمده ای بر عهده دارند. اینها مثل موش تولید مثل می کنند تا بتوانند دین کثیف ضد زن خود را در جهان گسترش دهند و سالهاست که روی ایران تمرکز کرده اند.